

## درباره‌ی ما

به خوانندگان «کارگاه دیالکتیک»:

این خُرده‌رسانه در معنای عام کلام تلاش می‌کند برای دامن زدن به مباحث نظری و تحلیلی در حوزه‌ی اندیشه‌ی انتقادی و پژوهشی معطوف به پروژه‌های رهایی‌بخش در میان مخاطبان فارسی‌زبان یا فارسی‌خوان. اما مخاطب بی‌گمان (و به حق) از خود می‌پرسد با وجود شمار زیادی از تارنماهای فارسی‌زبان که به نشر مباحث و دیدگاه‌های چپ، مارکسیستی و کمونیستی می‌پردازند، اگر افزودن صدایی به صداها موجود را به‌خودی خود توضیح‌گر تلقی نکنیم، ضرورت وجودی این تارنما چیست؟ و به بیان دیگر، کارویژه‌ی آن چیست؟ در این سطور، می‌کوشیم از طریق طرح فشرده‌ی چشم‌انداز کاری این خُرده‌رسانه، به پرسش فوق پاسخ دهیم. در ادامه، ضمن اشاره‌ای گذرا به رویکردهای کلی این تارنما، برخی کارکردهای جانبی و روبه‌های عملی آن را بر خواهیم شمرد.

توضیحی درباره‌ی نام این تارنما شاید گشایش خوبی برای پرداختن به بحث چشم‌انداز کاری و ضرورت وجودی آن باشد. واقفیم که این نام در کنار برخی سویه‌های روشن‌گرش، احتمالاً ابهامات زیادی در بر دارد: «کارگاه» در چه معنا؟ کدام رویکرد به «دیالکتیک»؟ و چگونه «کار»ی با «دیالکتیک» در قالب یک تارنما؟ نخست باید یادآور شویم که انتخاب یک عنوان یک یا دو کلمه‌ای برای یک رسانه (یا به‌طور کلی یک نهاد یا سازمان و نظایر آن) پیشاپیش محکوم به محدودسازی معنا و بدین اعتبار، ایجاد ابهام و حتی بدفهمی است. اما این نام ترکیبی دلالت‌هایی ضمنی دارد (یا ما چنین امید بستیم) که ما را به چشم‌بستن بر نارسایی یا ابهام‌آفرینی آن مجاب ساخته است؛ گو اینکه دست ما برای انتخاب نامی کوتاه و ابتکاری (حداقل غیر تکراری) که در عین رسانش علایق و چشم‌انداز کاری ما، از شعارپردازی‌ها و یا کلیشه‌های رایج نیز به دور باشد چندان باز نبود. باری، واژه‌ی کلیدی «دیالکتیک» در معنایی کلی اشاره به وزنی دارد که ما برای ساحت نظری، و در چارچوب آن برای مقوله‌ی روش قایلیم؛ و نیز اشاره به سنتی سیاسی-نظری دارد که ما خود را متعلق و متعهد بدان می‌دانیم: مارکسیسم؛ چرا که به‌رغم پیشینه‌ی فلسفی طولانی دیالکتیک و گوناگونی رهیافت‌های نظری مربوط به آن، دیالکتیک به‌سان روش اصلی نظریه‌ی مارکسیستی، به‌واقع ستون فقرات آن بوده است (گو اینکه درون طیف گسترده‌ی «مارکسیسم»ها نیز خوانش‌هایی بس متنوع و حتی متضاد از معنا و جایگاه و کاربست دیالکتیک وجود دارد، و نیز برخی نحله‌های مارکسیستی اساساً با دیالکتیک رابطه‌ی خوبی نداشته و آن را در خوانش خود از مارکسیسم به کار نبسته‌اند). اما به‌طور خاص، ما خود را متعهد به معرفی و گسترش آن رهیافتی به دیالکتیک می‌دانیم که می‌کوشد آثار متاخر مارکس را در پرتو خوانش انتقادی و خلاقانه از منطق دیالکتیکی هگل

بازخوانی، بازتفسیر و بازسازی کند؛ رهیافتی که خود به‌واقع شامل مجموعه‌ای از رویکردهای نظری متنوع است که تنها به میانجی پای‌بندی به/ و حرکت حول چنین ضرورتی، «زبان»ی کمابیش مشترک یافته‌اند. (شاید بتوان به پیروی از نام‌گذاری کریستوفر آرتور این رویکردهای متنوع را زیر چتر «دیالکتیک جدید» گرد هم آورد، گویانکه دادن نامی مشترک، می‌تواند وراى اشاره به خویشاوندی‌ها، همگنی و وحدت رویه‌ای ناموجود را نیز تداعی کند). «دیالکتیک جدید» در معنایی وسیع‌تر، همچنین دربردارنده‌ی پژوهش‌های دیالکتیکی مارکسی‌خلاقانه‌ای است، که لزوماً چارچوب زبانی و مفهومی مشترکی با سایر نحله‌های این مجموعه ندارند (نظیر آنچه نزد رئالیسم انتقادی دیالکتیکی روی باسکار می‌یابیم)، اما از دید ما توجه به آن‌ها برای تعمیق دانش اجتماعی دیالکتیکی ضروری است.

در معرفی چنین نظرگاه‌هایی و گسترش آنها در حوزه‌ی فارسی‌زبان می‌کوشیم در حد توان، تنوعی از مطالب تالیفی و ترجمه‌ای را در شرح نظرات مطرح در این حوزه، پیوندها و نقادها و درگیری‌های متقابل آن‌ها، جایگاه و اهمیت آن‌ها در بازخوانی نظریه‌ی مارکسی و نیز برخی کاربست‌های تحلیلی این اندیشه‌ها در فهم وضعیت مستقر و دینامیزم آن ارائه کنیم. ذکر این نکته ضروری است که از آنجا که هدف نهایی ما (نیز) صیقل‌دادن سلاح نظری برای مبارزه علیه نظم موجود است، بی‌آنکه توهمی به کاربست‌های بی‌واسطه و آنی نظریه داشته باشیم، خود را موظف می‌دانیم که در حد امکان و توان همچنین قابلیت‌های این نظریات را از طریق کاربست آن‌ها در تحلیل پیچیدگی‌های وضعیت عینی و راه‌جویی‌های استراتژیک نشان دهیم. در این حوزه، ما توجه ویژه‌ای به مسایل کلان «سیاست» در ایران و خاورمیانه خواهیم داشت. «سیاست» را در معنایی باز، قلمرو هر آن سازوکار، رویه (policy/pratic) و کنشی می‌شناسیم که زیست جمعی اکثریت جامعه را متأثر می‌سازند: از سازوکارهای سرکوب و تبعیض و محروم‌سازی و تخریب، تا شیوه‌های مقاومت و مبارزه و راه‌جویی جمعی برای برساختن افقی رهایی‌بخش.

اما واژه‌ی «کارگاه» بناست این موضوع را یادآور شود که ما خود را در مسیر تمرین و تجربه‌گری و «کارآموزی» در سپهر گسترده‌ی «پراتیک نظری» و کاربست احتمالی آن به قلمرو سیاست (در معنای وسیع کلام) می‌بینیم و داعیه‌ی ویژه‌ای جز آنچه در عمل قادر به عرضه‌ی آن هستیم نداریم. بدین معنا، هدف اصلی ما آن است که «کارگاه دیالکتیک» مکانی باشد برای پرورش تجربی نهال رویکردهای نظری نو به دیالکتیک در خاک یک سپهر جغرافیایی و زبانی جدید، که در زمینه‌ی اندیشه‌ی مارکسیستی عمدتاً از سرچشمه‌ی سنت‌های نظری دیگری نوشیده است (هر چند در عمل، توامان بنا به ضرورت‌ها و تنگناهای موجود، دامنه‌ی مضمونی مطالبی که منتشر خواهیم کرد گسترده‌تر خواهد بود، که این خود امکانی فراهم می‌آورد برای آنکه باب پیوند این تارنما با امر انضمامی و سیاسی گشوده بماند).

تجربیات و تلاش‌هایی که تاکنون در معرفی برخی نحله‌های «دیالکتیک جدید» (عمدتاً بخش‌هایی که ذیل نام «دیالکتیک نظام‌مند» می‌گنجد و یا نزدیکی بیشتری به آن دارند) شکل گرفته‌اند، به‌رغم جلب پارهای توجهات و ایجاد برخی انگیزش‌ها، تاکنون به پی‌ریزی یک سنت نظری نو در فضای چپ مارکسیستی ایران نینجامیده است. این

مساله زمينه‌هايي چند دارد كه اشاره به آن‌ها شايد تا حدى دلايل راه‌اندازى اين تارنما را روشن‌تر سازد: فارغ از نوپا بودن و ناكافى و ناتمام بودن اين تلاش‌ها (با توجه به دامنه‌ي عظيم «كار»)، و نيز سردرگمى و پراكندگى سياسى و نظرى چپ ايرانى (به موازات و بخشا به سبب افول چپ جهانى و منطقه‌اى)، كه در كنار ساير پيامدهايش امكان برخورد جدى با نظريه و نوجوبى‌هاى نظرى را از آن سلب كرده است، تلاش‌هاى ياد شده تاكنون به‌طور نامتمرکز و پراكنده انجام شده‌اند و عمدتاً در همپوشانى با ديگر جهت‌گيرى‌هاى نظرى، و يا در سايه‌ي رويداد-گرلى غالب بر فضاى چپ (دنباله‌روى از التهابات فضاى سياسى روز) باقى مانده‌اند؛ و از همين رو نتوانسته‌اند صدائى از آن خود كه معرف اهميت وجودى آن‌ها و زمينه‌ساز گسترش آن‌ها باشد كسب كنند. به‌تعبيرى ديگر، نهالى كه از آن ياد كرديم گويى تا امروز فاقد باغچه‌اى از آن خود بوده است. از سوى ديگر، معرفى چنين نظريه‌ها وديدگاه‌هايى تاكنون حتى از سوى اصحاب «نظرى» تر ماركسيست‌هاى ايرانى نيز با بازخوردهاى كمابيش دفعى مواجه شده است، كه بخشى از آنها بى‌شبهت به طرد رويكردهاى ارتدادآمىز نبوده است. از اين نظر، در نبود فضاى حرفه‌اى مناسب و نبود رغبت و مشاركت جمعى لازم براى طرح چنين نظرياتى، راه‌اندازى اين تارنما را گامى ضرورى براى تداوم بهتر و موثرتر اين حركت نوپا يافتيم. در همين جا بايد خاطر نشان كنيم كه كارگاه ديالكتيك لزوماً خود را در مقابل ديگر تفسيرها و ديگر خوانش‌ها از نظريه‌ي ماركسى تعريف نمى‌كند، بلكه پيش از هر چيز مى‌كوشد مشى خود را در جستجوگرى نظرى و هدفمند پى بگيرد و در همين راستا اميدوار است كه بتواند در ايجاد بسترى براى رشد گفتگوهاى نظرى-انتقادى توأم با پاى‌بندي‌هاى دمكراتيك در فضاى انديشگاني چپ ايرانى سهمى ادا كند.

«كارگاه ديالكتيك» به‌رغم شروع «تنگ‌دستانه» اش (كه در هم‌پيوندى با پروسه‌ي بطئى كار نظرى، بى‌گمان حركتى بس كُند-آهنگ را بر آن تحميل خواهد كرد<sup>1</sup>)، همچنين بر آن است و اميد دارد كه به‌تدريج فضاىى براى همراهى و همكارى با رفقاى علاقمند به چنين مسيرى بگشايد. در عين حال، واقفيم كه از جمله -و به‌ويژه- در اين زمينه قدم‌هاى آغازين را مى‌بايد بسيار آهسته و سنجيده برداريم، تا جمعى كه به‌واسطه همكارى در اين تارنما ساخته مى‌شود، بتواند مسير هرچه بلندترى را به استوارى بپيمايد. روشن است كه با اين همه، بى‌ترديد از يارى‌ها و همكارى‌هاى مشخص و نيز از بازخوردهاى انتقادى رفيقانه استقبال مى‌كنيم.

تحريره‌ي كارگاه ديالكتيك

شهر يور ماه ۱۳۹۵

1. اين محدوديت، حداقل در فاز آغازين كار، در به‌روز شدن كم‌بسامد اين تارنما بازتاب خواهد يافت.